

بعضی از خطاهای رایج در ترجمه به انگلیسی

کریم امامی

جمع‌آوری مطالب کارگاه حاضر از چند سال پیش شروع شد. یک روز در یکی از خیابان‌های مشجر شمال تهران قدم می‌زدم و جلوی یک فروشگاه بزرگ اتوموبیل دو سه دقیقه مکث کردم. تماشای اتوموبیل‌های نو و برق‌انداخته داخل فروشگاه آنقدر توجهم را جلب نکرد که تابلو فروشگاه و ترجمه انگلیسی آن. اسم مغازه «نمایشگاه اتوموبیل فلان» را، ترجمه کرده بودند So and so's Car Exhibition. ترجمه «نمایشگاه» به exhibition در این مورد خاص به نظرم درست نیامد. به واژه exhibition بیشتر در ارتباط با نمایشگاه‌های هنری برخورد کرده‌ام. بعد به راه خود رفتم و از آن پس به هر فروشگاه اتوموبیلی برمی‌خوردم به اسم مغازه و برابر انگلیسی آن توجه می‌کردم و با تعجب می‌دیدم که باز هم در تمام موارد از واژه‌های «نمایشگاه» و exhibition استفاده شده‌است. و بعد که سفری به شهرستان پیش آمد، دیدم که در فروشگاه‌های معتبر اتوموبیل اصفهان و شیراز هم قانون «نمایشگاه / exhibition» حاکم است و ظاهراً اگر بنگاهی به این دو نام مُسَمَّن نباشد سرش به تنش نمی‌ارزد. پس به وضعی رسیده‌ایم که در محافل خرید و فروش اتوموبیل‌های به اصطلاح صفرکیلومتر عبارت «نمایشگاه اتوموبیل» معادل استاندارد برای خودش در انگلیسی پیدا کرده‌است و اگر مترجم بی‌نواهی عنوان مورد نظر را به چیزی غیر از car exhibition ترجمه کند کارش - دست کم از نظر صاحب فروشگاه - زار و آینده‌اش تار خواهد بود.

این نوع ترجمه نادرست ولی رایج در وطن در چند حرفه دیگر هم وجود دارد. اجازه دهید با هم نگاهی به آنها بیفکنیم. اول، همان مورد آغازین خودمان:

□ نمایشگاه اتوموبیل هوشنگ / Hushang's Car Exhibition

در جمعی از آدم‌های انگلیسی‌دان قضیه «نمایشگاه اتوموبیل» را مطرح کردم و از آنان خواستم معادل‌های بهتری در انگلیسی برای نمایشگاه اتوموبیل پیشنهاد کنند.

- | | | |
|--------------|------------------|-------------------|
| - car dealer | - car dealership | این پاسخ‌ها رسید: |
| - car show | - car showroom | |

اول عرض کنم که به اتوموبیل در انگلیس بیشتر motor car یا car می‌گویند و در امریکا automobile. ثانیاً car dealer معمولاً فروشنده اتوموبیل است، مخصوصاً از نوع فروشنده‌گی رسمی اتوموبیل یک سازنده معین و شغل او می‌شود car dealership. بعد می‌رسیم به پیشنهاد car show که نمایشگاه بزرگ اتوموبیل است برای مدتی معین در یک مکان عمومی که شرکت‌های سازنده اتوموبیل در آن شرکت و مدل‌های جدید خود را در آن عرضه می‌کنند. پس این هم به درد هوشنگ خان نمی‌خورد. ولی showroom چرا. showroom دقیقاً معادل نمایشگاه برای کالاهای تجارتي است، پس به نظر ما بهترین ترجمه «نمایشگاه اتوموبیل هوشنگ» می‌شود

Hushang's Car Showroom که البته درست‌ترین ترجمه‌است ولی شاید بهترین معادل نباشد. Hushang's Top Cars چطور است؟

□ آرایشگاه زنانه مینا / Mina's Hairdressing Saloon

این ترجمه هم روی تابلو بسیاری آرایشگاه‌های زنانه دیده می‌شود و همیشه هم مرا، و شاید بعضی از آدم‌های انگلیسی‌دان دیگر را، به خنده می‌اندازد. چرا؟ از این تصور که جمعی از بانوان محترم در جایی که saloon نامیده شده مشغول کوتاه کردن مو و میزان پلی و فر زدن باشند! دوستان حتماً به یاد دارند که saloon در امریکا میخانه است و در فیلم‌های وسترن saloon میخانه‌ای است برای هفت تیرکش‌ها و اوباش محل. بله اشکال از saloon است و اگر به جای آن salon بگوییم اشکال رفع می‌شود. مدت‌ها در جستجوی منشأ این اشتباه بودم و سرانجام آن را در فرهنگ‌های فارسی-انگلیسی شادروان سلیمان حیم یافتیم. و حالا برای یادآوری:

در بریتانیا آرایشگاه زنانه دو معادل رایج دارد: اول ladies' hairdressing salon و دوم beauty shop. چون صحبت از آرایشگاه است اجازه بدهید معادل‌های آرایشگاه مردانه را هم مرور کنیم: در انگلیس barber's shop و در امریکا barbershop تفاوت تنها در یک 's' ملکی است.

□ خیارشور گلبو / Golbu Pickled Cucumber

به موردی رسیده‌ایم که به صورت‌های گوناگون به آن برمی‌خوریم. دو مورد دیگر در یادداشتهای من: ۱- «تا شقایق هست»، (عنوان یکی از اشعار زنده‌یاد سهراب سپهری) که ترجمه شده بود While there's poppy. و ۲- «کفش میهن» (یا یک اسم دیگر) که ترجمه شده بود Mihan shoe. در این جا با سه اسم قابل شمارش سروکار داریم: خیار و شقایق و کفش که در فارسی معمولاً به صورت مفرد به کار برده می‌شوند و در انگلیسی به صورت جمع. بنابراین اگر موارد انگلیسی یادشده را به این صورت اصلاح کنیم:

Golbu Pickled Cucumbers

While there are poppies

Mihan Shoes

آن اشکال اساسی در ترجمه آنها رفع می‌شود، و از آن پس می‌توانیم راجع به جزئیات و موارد مستحب عبارات بحث کنیم، و مثلاً پیرسیم while there are poppies بهتر است یا while poppies bloom. در ترجمه از انگلیسی به فارسی هم باید مواظب عکس این موارد باشیم، یعنی اسامی نوع جمع را به صورت مفرد برگردانیم. و اگر کسی گفته بود I don't like bananas، آن را ترجمه نکنیم «من موزها را دوست ندارم»، «من موز دوست ندارم» حتماً در فارسی طبیعی تراست.

□ انتشارات حافظ / Hafez Publication

باز یک مورد دیگر از ترجمه نادرست. اشکال اصلی هم این نیست که به جای publication باید بگوییم publications تا مشکل رفع شود. Hafez Publications غلط نیست ولی نامُصطلح است. در این مورد معادل مُصطلح تر Hafez Publishers (به صیغه جمع) است. بعضی از مؤسسات انتشاراتی بزرگ و قدیمی هم که چاپخانه هم دارند یا روزی داشته‌اند به خودشان press می‌گویند، مثل Oxford University Press.

□ اطلاعات / Informations

این ترجمه گاه روی گیشه‌های اطلاعات دیده می‌شود و غلط است. چرا؟ شما بگویید. جواب در کارگاه ۶.

خب، این هم از این کارگاه. خداوند بر حقیر بیخشد که در سه صفحه این همه حکم صادر کرده‌است. بیخود نیست که صادر کردن احکامی از این دست دوستان دیگر را به میج‌گیری برمی‌انگیزد.

یادداشت‌های جدید برای مطالب کارگاه‌های پیشین

قرار بود پاسخ دو سؤال را که در کارگاه ترجمه ۴ اعلام کرده بودیم در کارگاه ۵ بنویسیم. این هم پاسخ سؤال‌ها:

۱. معادل انگلیسی ضرب‌المثل «تا تنور داغ است نان بپسبان». دو معادل داریم:

1.(to) strike while the iron is hot.

2.(to) make hay while the sun shines.

کدام بهتر است، (۱) یا (۲)؟ هر دو معادل‌های خوب و رایجی هستند ولی اگر قرار بر انتخاب باشد من (۱) را انتخاب می‌کنم، چون به بافت ضرب‌المثل فارسی نزدیک‌تر است.

۲. ترجمه انگلیسی «خواهی نشوی رسوا هم‌رنگ جماعت شو.» گفتیم ترجمه دقیق و نه معادل، چون معادل انگلیسی آن را قبلاً دادیم (Do in Rome as the Romans do). گیراین ترجمه در دو چیز است، یکی رسوا شدن یا رسوا نشدن و دوم هم‌رنگ جماعت شدن که برای یافتن معادل‌های خوبی برای آنها مراجعه به فرهنگ‌های فارسی-انگلیسی موجود چندان کارساز نخواهد بود. در هر حال، بهترین کوشش من این است:

If you don't want to stand out in a crowd, conform.

و سرانجام یک مطلب دیگر. در مترجم ۱۷-۱۸، جناب سردبیر چند واژه انگلیسی برای «غرب‌زدگی» بر شمرده بودند که پیشنهاد مترجمان گوناگون بود. بنده هم سال‌ها پیش، مقارن انتشار کتاب زنده یاد آل‌احمد، واژه‌ای را در انگلیسی برای «غرب‌زدگی» ساخته و پیشنهاد کردم و در چند مقاله در روزنامه «کیهان اینترنشنل» و جاهای دیگر به کار بردم؛ بعضی اشخاص دیگر هم آن را به کار بردند. پیشنهاد من برای غرب‌زدگی westoxication بود که از ترکیب دو واژه West و intoxication ساخته شده، به معنی «سرمست شدن از باده غرب».